



راز به هم تنیدن دل های ما حسین

حماسی

سید محمد میرحسینی

مفهوم بخشیده است. تمام از خود گذشتگی ها و دل به دنیا نبستن های زائران اربعینی را معنی کرده است. آن ها همه چیز شنیده اند، قبل از ورود به این مسیر از سیل کنایه ها گذشته اند اما اهمیتی ندادند. برای آنها این عشق همه چیز است. برای آنها این راه همان راه رسیدن به هدف است. عشق وصال راه هر حسی جز عشق حسین را بسته است و چه میفهمند آنان که دلشان از این محبت خالی است و چه میفهمند دشمنان حسین(ع) که چگونه خون حسین در اعماق وجود عاشقانش ریشه دوانیده و آنها را برای تحمل هر درد و سختی که در این مسیر باشد محیا و مشتاق ساخته است آنها چه میدانند عشق به حسین(ع) چه میکند؟ آن ها چه میدانند یک لبیک یا حسین کافی است که قلب عاشقان حسین(ع) مستحکم، آماده هر مقابله ای با دشمن باشد؟ درست است آن ها نمیدادند... این روز ها به هر دری میزنند که جلوی شعله خروشان عشق حسین(ع) را بگیرند و گرمای پر از عشق این حب را کم تر و تجلی عاشقانه این دوستداران حسین(ع) را کم رنگ تر نشان بدهند ناامنی ایجاد میکنند و میخواهند راه این شور پر از شعور را ببندند، غافل از اینکه تمام آنچه این عاشقان میخواهند حسین است از هیچ چیز حراسی ندارند در تمام این سال ها تهدید کردند و به حساب خودشان ترس و وحشت ایجاد کردند تا راه این دریای بیکران عاشقان حسین را ببندند یا از میزان خروش آن کم کنند. غافل از آنکه دریای عشق حسین بیکران تر از

این حرف هاست و بزرگ تر از آنکه در ذهن کوچکشان بگنجد... بعد از عاشورای خونین امام حسین(ع) و اسارت اهل بیت ایشان تا الان در این مسیر هزاران تهدید و سختی ایجاد کردند اما هر روز به این چشمه خروشان اضافه شد و این دریای بیکران امواجی بلند تر و صدایی رساتر برای همه این دشمنان اهل بیت پیدا کرده است و تابلویی بزرگ با نقوش عشق این محبین است تا برای هر حسود و دشمنی مشخص کند که این مسیر بن بست نشدنی است و این دریا خشک نشدنی است. ناامنی ایجاد میکنند و تهدید میکنند و شیعیان و عاشقان حسین(ع) را از مرگ می هراسانند. در حالی که این ها همان عاشقان شهادت و معنی دهندگان به شجاعت و ایثار هستند. هر سال در کنار همه این تهدید ها بر این جمعیت عشاق پیاده روی اربعین اضافه تر میشود و خواب و خوراک را از این کوتاه فکran و دشمنان حسین(ع) میگیرد و آن ها به خوبی متوجه تفاوت این عشق میشوند آن ها به خوبی میفهمند که این دوست داشتن رنگ و بوی متفاوتی دارد و نمیتوانند جلوی این جوش و خروش را بگیرند، این ها به حب حسین(ع) دور هم جمع شده اند و شعارشان حب الحسین یجمعنا است و حالا این حماسه بزرگ پیاده روی اربعین با تمام این بزرگی و زیبایی مشتی بزرگ بر دهان همه دشمنان اهل بیت شده است و تمام فکر و ذکر و سؤالشان این است:

این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست ...

گریه امانشان نمیدهد، التماس میکنند، دعا میخوانند و میگویند: "اللهم الرزقنا کربلا" انگار آرامش برایشان نیمه گمشده ای دارد که فقط قرار است آن را در کربلا پیدا کنند. با حسرت به دوستان و آشنایانی نگاه میکنند که کوله پشتی سفر به سرزمین عشق را بر دوش گرفته اند و شور و شوق رسیدن به وصال یار، آن ها را از خود بی خود کرده است. همه به یک چیز فکر میکنند که حتماً نگاه آقا به من افتاده است که امروز میتوانم به دیدارشان بروم و میتوانم اربعین عاشورای خونین شان را کنارشان باشم و از این فکر سر تا پا در شوق فرو رفته اند، به مسیر که نگاه کنی از هر قشر و طایفه و نژاد و مسلک می بینی که همه دور هم جمع شده اند و حسین حسین میگویند، به عشق اربابشان مثل یک خانواده مستحکم در کنار هم حرکت میکنند و لوزه بر دل هر دشمنی می اندازند. آن ها عشق حسین(ع) را با هیچ چیز عوض نمیکند، راه حسین(ع) را با هیچ چیز عوض نمی کنند. آدم های این مسیر عاشقی پر از تفاوت های نژادی و شخصیتی و فرهنگی اند اما عشق به حسین(ع) و راه حسین(ع) بهترین تفاهمی است که میتواند آن ها را در کنارهم با عشق و محبت نگه دارد و دلشان را به هم نزدیک نگه دارد. به راستی که "حب الحسین(ع) یجمعنا" چه شعار زیبا و پرمفهومی است که تمام حماسه اربعین را

منشأ یک شیوع ماجرای ایدز در لردهگان

اجتماعی

حامد آقالر



مقامات رسمی، زودتر مداخله می کردند و از مطرح کردن همه حقیقت، بدون کم و کاست، هراسی به دل راه نمی دادند. شاید افراد مسئولی که اطلاعات کافی در اختیار داشتند، بعد از آگاهی از احتمال برخاستن جنجال و پیچیده شدن ماجرا، از بیم اینکه ابراز نظر اولیه شان، بعدها خود عامل برانگیزاننده محسوب شود، درنگ کردند و به ایجاد مرحله اول ابهام و سردرگمی خبری کمک کردند و همان شد که دیدیم. شاید وضعیت ما در خصوص صحبت از ایدز نسبت به سال های گذشته بهتر شده باشد. زمانی حتی اخبار تلویزیون و یا سریال های تلویزیونی از ذکر نام ایدز خودداری می کردند. اما هنوز هم ایدز در کشور ما یک داغ و ننگ حیثیتی محسوب می شود و همین عاملی است که جمعی از ناآگاهان، درگیر ایدز شوند. از طرفی تجربه رسانه ای نشان داده است که شما هر چقدر در این بازه های زمانی تأخیر کنید و هر چقدر خبر را محدود بازتاب دهید، به آذهان عمومی اجازه "یک کلاغ چهل کلاغ" می دهید. در عصر ارتباطات

ظاهراً ماجرا از آنجا شروع شد که حدود ۲ ماه پیش تعدادی از مردم روستای "چنار محمودی" شهرستان لردهگان در یک طرح پایش سلامت پس از آزمایش دیابت متوجه شدند که مشکوک به داشتن بیماری ایدز هستند، اما بیمارانی که نتیجه آزمایش شان خبر از این بیماری می داد، به نتیجه آزمایش اکتفا نکردند و برای اطمینان بیشتر به مراکز درمانی در اصفهان و شیراز رفتند که متوجه شدند نتیجه آزمایش کاملاً درست بوده و با وجود آزمایش های متعدد، نتیجه به طور قطع مثبت است. خلاصه، بررسی های پزشکی در این روستا آغاز شد. نتیجه بررسی ها و آزمایش ها حاکی از آن بود که ۲۲ نفر از روستا ایدز گرفته اند. بیماران شامل زنان، مردان و نوزادان بودند و به این ترتیب پرونده آلودگی به ایدز در شهرستان لردهگان به جریان افتاد و در ادامه بازار شایعه و جنجال سازی رونق گرفت. اما آنچه که واضح و مبهرن است، این است که شایعه و جنجال ایجاد نمی شد، اگر رسانه هایی که دسترسی به منابع و اسناد خبری معتبر داشتند و نیز

شاید برخی تصور کنند که دیگر همه مردم راه های انتقال بیماری را می دانند، اما با عنایت به سؤالات مردم در مراکز بهداشتی و درمانی ثابت می کند که متأسفانه هنوز هم اطلاعات مردم در این زمینه کافی نیست. ماجرای مطرح شده در باب انتقال بیماری با سرنگ آلوده، به باور کارشناسان و صاحب نظران امر، غیرواقعی و حتی مغرضانه به نظر می رسد. طبق مطالعات علمی انجام شده و تحقیقات صورت گرفته، اگر سرنگی آلوده به ویروس HIV به دست کسی فرو رود، احتمال انتقال بیماری، چندان زیاد نیست و حتی از ۰/۳ درصد هم فراتر نمی رود. آیا در کوتاه مدت امکان آلوده شدن این تعداد از افراد به ایدز وجود دارد؟ با توجه به اطلاعات ناقص و علم پایین ما، همان ماجرای همیشگی انتقال ایدز را می توان عنوان کرد؛ ابتلای تعدادی از مردم به HIV به خاطر اعتیاد و سرنگ آلوده، در وهله دوم انتقال بیماری به همسران آن ها و در وهله سوم انتقال بیماری از مادران به جنین ها و نوزادان. هم شهروندان و هم مسئولان محلی، ناخودآگاه اعتراف به موارد متعدد بیماری در یک منطقه را همانند اعتراف به وجود زمینه های اعتیاد، فحشا و روابط پرخطر می پندارند و متأسفانه ترجیح می دهند که صورت مسئله را پاک کنند. به هر حال با عرض تأسف رسانه های ما در مورد چنار محمودی لردهگان نمره قبولی نگرفتند و رسانه های خارجی فارسی زبان هم فقط به جنجالی کردن خبر افزودند و ترجیح دادند دغدغه های سیاسی خود را دنبال کنند و بعضاً موضوع را سیاسی و امنیتی جلوه دهند.

ها و بازیکنان و داور و... ختم می شود و حتی به زد و خورد و آسیب رساندن به اموال عمومی ورزشگاه ها ختم می شود، دلیل محکمی برای این است که بگوییم مشکل دارد و نیاز به باز بینی است. از طرفی هم ورود زنان به ورزشگاه را داریم. حال دو فرضیه وجود دارد که اگر زنان بتوانند به ورزشگاه بیایند این مشکلات فرهنگی حل شود که دور از انتظار نیست ولی قطعیت ندارد و ممکن است در درسر جدیدی به بار بیاید... اما در کل اگر کسی به فکر رفع این مشکل و چالش باشد، همانطور که عرض کردم مسئول اصلی آن، دولت ها و وزارت ورزش وقت می باشد (نه فقط دولت فعلی!) با ایده های تخصصی می تواند آن را به تحقق بخشد. خواستن یا نخواستنش به سوء استفاده ها بر میگردد... جدیداً قول هایی هم مبتنی بر حضور زنان در ورزشگاه شنیدیم که البته آن هم به زور فیفا، در بازی بین تیم های ایران و کامبوج ۳۵۰۰ نفر از بانوان برای دیدن بازی به ورزشگاه رفتند که مقدمشان یا ۱۴ گل (!) گلباران شد. البته لازم به ذکر است جایگاه مخصوصی برای آنها در نظر گرفته شده بود که حضور پر رنگشان را نشان دادند. امیدواریم نه تنها حضور مداوم آنها مشکلی ایجاد نکند بلکه باعث جمع شدن بساط بعضی از افراد بی فرهنگ شود. اما ننگ این است که مسئولین ما به زور و تهدید فدراسیون جهانی بلکه کاری کنند وگرنه خودشان که هیچ اما ما باز هم با خوش بینانه ترین حالت ممکن می گوییم خیر است ان شاء الله...



وزارت ورزش و جوانان است که برای تحقق یافتن آن نیازمند ایده های درست و صرف بودجه لازم به آن است اما چرا این کار صورت نمی گیرد و تمامی جبهه گیری های دولت در این باره به شکلی است که "نمی گذارند این کار را بکنیم" و چند وقت یک بار غلغله خودشان را به عنوان مطالبه گر این موضوع بلند می کنند و جنجال راه می اندازند و من نمیدانم چرا موضوعی که حل شدنش به هر نحوی به دست خودشان است را از خودشان مطالبه می کنند. اما می توانم با این استدلال بگویم که چند وقت یک بار همزمان با شوک های اقتصادی کشور، این موضوع هم خیلی داغ می شود که به نظر من این جاست که سوء استفاده ها از این بحث را می توانیم شاهد باشیم. دومین وجه این موضوع وجه فرهنگی آن است. همانطور که می دانیم با توجه به این که ورزشگاه ها باید یک محیط کاملاً تفریحی آن هم از نوع تفریح سالم برای تماشاگران باشد اما امروزه حال و هوای خوبی در کشور ما ندارد، بی فرهنگی هایی که در حین بازی از یک سری افراد به قول معروف "تماشاگر نما" می بینیم که اکثراً به فحاشی علیه تیم

بانوان در ورزشگاه در حد آزمون و خطا...

اجتماعی

امیر رضا لک

یکی از مهم ترین مسائلی که چند سالی است در جامعه مطرح می شود، برابری حقوق زن و مرد است و به تبع آن جنجال های زیادی برپاست برای رسیدن هر دو طرف چه زن و چه مرد به حقشان؛ اما چند وقتی است این امر بازپچه احزاب سیاسی نیز شده است و با استفاده از آن یا بهتر است بگویم سوء استفاده از آن به دنبال رسیدن به مقام و منزلت برای خودشان هستند. به طور مثال چند وقتی است مباحثی درحوزه حقوق زنان مطرح می شود که شاید مهم ترین آن ورود خانم ها به ورزشگاه هاست. از دو وجه می توان به مطرح شدن این موضوع نگاه کرد. اولین وجه این است که شما تا وقتی احقاق حق را از زبان افراد یک جامعه می شنوید می توانید درباره آن به طور مستقیم نظر دهید و آن را مورد بررسی قرار دهید؛ آن هم از بعد فرهنگی نه از جهت دیگری. اما وقتی این موضوع از زبان برخی افراد که از نظر سیاسی مطرح تر هستند، بیان می شود باید با وسواس بیشتری مورد بررسی قرار گرفته شود. چرا؟! عرض می کنم... اولاً باید بدانیم تصمیم گیری درباره ورود خانم ها به ورزشگاه مستقیماً به عهده دولت و زیر نظر

پاشنه آشیل سیستمی!

دولت الکترونیک یا دولت سنتی؟!

امیر حسین کرمعلی

سیاسی



گذر همه ی ما به ارگان ها و دستگاه های دولتی خورده است و همواره شاهد آن بوده ایم که باید چه مراحل سخت و دشواری را برای یک کار کوچک اداری انجام دهیم. در بعضی مواقع کار آنقدر طاقت فرسا می شود که از انجام آن منصرف شده و آن را رها میکنیم. طرح دولت الکترونیک چند سالی است که مورد توجه دستگاه های اجرایی کشور می باشد. علی رغم تأکید رییس جمهور و وزیر ارتباطات درباره این طرح، به دلیل کمبود زیرساخت های مناسب آن نتوانسته به طور جامع و یکپارچه در تمام بخش های اجرایی عملیاتی شود. هدف از این طرح استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور توزیع خدمات دولتی به صورت مستقیم و ۲۴ ساعته به مردم می باشد. از مزایای این طرح میتوان به نکات زیر توجه کرد: ***رشد فناوری اطلاعات:** خدمات دولت الکترونیک در بستر فناوری و اطلاعات بسیار ساده تر خواهد شد. به شکلی که کارمندان دولت از زمان خود بیشترین

استفاده را خواهند کرد و مشتریانی که شامل افراد حقیقی و حقوقی هستند، با استفاده از این بستر ها خیلی زودتر و سریع تر نیاز های خود را پاسخ میدهند و قاعدتاً رضایت بیشتری هم از این روش خواهند داشت. به عنوان مثال دیگر نیاز نیست یک فرد حقوقی مشتری سازمان مالیاتی برای ارائه اظهار نامه مالیاتی و پرداخت مالیات خود روزها منتظر بماند و رفت و آمد کند و نیرویی را برای این کار استخدام کند. به راحتی میتواند از بستر اینترنت با ارائه ی این اظهار نامه و تعیین مبلغ و پرداخت الکترونیک در کمتر از چند دقیقه مشکل خود را حل کند. ***سهولت و صرفه جویی در هزینه ها:** بازوی دولت در میزان ارائه خدمات اجرایی است که به جامعه ارائه میدهد و طبیعتاً وجود هرگونه اختلال در روند ارائه این خدمات از میزان اثرگذاری آن کاسته و مشروعیت سیستم برای عوام را به نوعی با شک و تردید هایی همراه میکند و توقع مردم هم از دولت در گرو برقراری سهولت در

همین خدمات است. ***شفاف سازی و کاهش فساد اداری:** اگر بخواهیم فساد را در کشور ریشه کن کنیم، راه آن فقط در محکمه و زندان نیست بلکه در شفافیت است چرا که شدت عمل در برخورد گرچه یک مسکن موقت است اما درمان قطعی نیست و باید با شفافیت به سراغ درمان اساسی آن برویم که مهم ترین و اساسی ترین راه برقراری دولت دیجیتالی است. اما برخی معایب هم برای دولت هوشمند وجود دارد که میتوان به نکات زیر اشاره کرد: ***هزینه زیاد:** هزینه پیاده سازی زیر ساخت ها تقریباً زیاد است و زمان و انرژی زیادی برای پیاده سازی زیرساخت ها نیاز است. ***نیاز به آموزش و سرمایه گذاری:** با توجه اینکه نیروی انسانی آموزش کافی را برای تحقق فضای یکپارچه اینترنتی را ندیده است لازم است وقت کافی را برای کسب مهارت در این حوزه طی کنند. ***وابسته شدن خدمات به فناوری اطلاعات و ارتباطات:** با توجه به اینکه پهنای باند اینترنتی در کشور با ضعف هایی روبرو است، برای تحقق دولت الکترونیک می بایست خلأهای موجود در این حوزه رفع شود. و مهم تر از همه خطر ***از بین رفتن زیرساخت و یا حمله ی دیجیتالی** که متأسفانه جنگ سایبری چندی است که در فضای بین المللی به راه افتاده است. در خصوص دولت الکترونیک می توان گفت ورود به حوزه هوشمند برای یک دولت یک ضرورت است و نه یک انتخاب که با توجه به موضوعات فوق و مطرح شده و نیازی که در جامعه مشاهده می کنیم، به این مهم به سادگی می توان اطمینان یافت.

اقتدار و آقایی

توانمندی نظامی ایران

آرمین قیصری

نظامی



انقلاب اسلامی را باید سراغاز تحولات بزرگ و بنیادین در ایران، منطقه جهان اسلام و جهان غیراسلام دانست. رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) از انقلاب اسلامی با عنوانی چون "معجزه قرن" و "انفجار نور" یاد کرده و همین کلمات برای توصیف عظمت و بزرگی انقلاب اسلامی کفایت میکند. قبل از انقلاب اسلامی رژیم شاه تمام اسلحه ها و تجهیزات نظامی مورد نیاز ایران را از آمریکا و متحدان خریداری میکرد. یک سال مانده به پیروزی انقلاب اسلامی در جنگ تحمیلی با شدت گرفتن اعتراض های مردم و تظاهرات میلیونی آنها، شاه فرصت خرید و وارد کردن سلاح های سنگین را نداشت و تنها سلاح هایی که در این مدت وارد کشور میشد، ابزار شکنجه و سلاح های سبک بود که بر علیه مردم به کار برده میشد. ایران تا اواخر جنگ، هیچ سلاح نظامی تولید نمیکرد و هر آنچه که داشت، سلاح های وارداتی که بسیار محدود بود بعد از جنگ تحمیلی تا به امروز ایران دستاورد های نظامی و منطقه ای زیادی را کسب کرد. این دستاورد های چشمگیر، یکی از دلایل مخالفت و دشمنی قدرت های غربی به خصوص آمریکا با

جمهوری اسلامی ایران است زیرا استقلال نظامی یکی از علل پایان سلطه این قدرت ها بر ایران محسوب میشود. حضرت آیت الله خامنه ای در این خصوص فرموده اند: "قدرت نظامی، مایه اقتدار است. می بینید درباره مسائل موشکی چه جنجالی در دنیا به راه می اندازند که ایران موشک دارد. ایران موشک دقیق دارد بله ما موشک داریم، موشک دقیق هم داریم موشک ما هدف را از فاصله چند هزار کیلومتری با فاصله چند متری قادر است بزند. این را با قدرت به دست آوردیم. با قدرت حفظ میکنیم، با قدرت افزایش خواهیم داد. ان شاء الله با این هم چون مایه اقتدار کشور است، مخالفند با آن دعوا دارند." چند نمونه از این دستاوردها را مورد بررسی قرار میدهم: ***بومی سازی صنعت نظامی:** یکی از مهم ترین دستاورد های نظامی جمهوری اسلامی ایران بومی سازی صنعت نظامی است. در حالی که قبل از وقوع انقلاب اسلامی کاملاً در این حوزه وابسته بود، با چهار برابر شدن قیمت نفت در پائیز ۱۹۷۳، تهران کانون هجوم دلالان اسلحه و نمایندگی تقریباً تمام کارخانجات تسلیحاتی آمریکا شد. به طوری که تنها

طی دو سال مأموریت ژنرال ایس ویلیامسون معاون گروه مستشاران نظامی آمریکایی در ایران و شرکت های تولید تسلیحات به امضاء رسید و تا سال ۱۹۷۸ ایران بزرگترین بازار دریافت اسلحه و کالاهای دیگر آمریکایی بود. این وضعیت پس از وقوع انقلاب اسلامی کاملاً برعکس شده و در حالی که امروز رقابتی منطقه ای ایران در زمره بزرگترین وارد کنندگان تسلیحات در جهان قرار دارند و هزینه های کلان برای واردات سلاح میپردازند. جمهوری اسلامی طی چهل سال موفق به بومی سازی صنعت نظامی شده است. ***توانمندی نظامی دریایی جمهوری اسلامی:** جمهوری اسلامی ایران حدود سه هزار کیلومتر مرز دریایی دارد و تمرکز زیادی بر تأمین امنیت دریایی خود طی چهل سال گذشته داشته است. بر این اساس ساخت انواع ناوشکن ها و زیردریایی ها در دستور کار نیروی دریای ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفته است. ***افزایش قابلیت دفاعی ایران با توسعه صنعت موشکی:** توسعه صنعت موشکی قابلیت دفاعی جمهوری اسلامی ایران را به بالاترین سطح رسانده که این موضوع طی سال های اخیر در پرتاب موشک از خاک ایران به مواضع تروریست های داعش در سوریه ثابت شده است. در واقع توسعه توانمندی موشکی سبب شده هیچ کشوری در منطقه و خارج از منطقه جرئت حمله یا ضربه زدن نظامی به جمهوری اسلامی ایران را نداشته باشد و این یکی از دلایل اصلی تمرکز قدرت های غربی برای محدود کردن توانمندی موشکی ایران پس از توافق هسته ای موسوم به برجام است.

معتاد مجرم نیست

کلیشه ای اما واقعی!

اجتماعی

مهدی مقنی



مصرف روز افزون مواد مخدر در کشور ما با توجه به جوان بودن جامعه ی ایرانی و اعتیاد به مواد مخدر، به دشواری پیچیده ی اجتماعی بدل شده است و با توجه به اینکه این رفتار وابستگی زیادی به محیط اجتماعی دارد، پیامدهای ویرانگر زیادی را به وجود می آورد. عوامل اعتیاد به مواد مخدر به دو دسته ی "انگیزاننده های درونی" و "مشوق های بیرونی" تقسیم بندی میشود. عواملی همچون افسردگی مشکلات عاطفی عدم اعتماد به نفس روحیه ی کنجکاو مشکلات عصبی و بیماری های روحی و ... در دسته ی انگیزاننده های درونی و عواملی همچون کسب آسان مواد شرایط فرهنگی وضع اجتماعی عوامل اقتصادی مشکلات جسمانی و ... در دسته ی مشوق های درونی جای دارد. قبل از پرداختن به موضوع یاد شده در ابتدای نوشته ، بهتر است تعریفی از اعتیاد و بیماری داشته باشیم. اعتیاد یعنی استمرار مصرف مواد مخدر در فرد استقرار یافته باشد و فرد به مصرف آن وابستگی پیدا کرده باشد و اما بیمار کیست؟ بیمار کسی است که به دست خود یا بر اثر عوامل زیست محیطی دچار ناهنجاری های داخلی بدن شده باشد. تا چند سال پیش هرکه در کشور معتاد بود او را به عنوان مجرم میشناختند اما سال هاست این موضوع به نظر می آید کم رنگ شده باشد و معتاد را بیماری می انگارند که به کمک نیاز دارد. کارشناسانی هستند که فقط یکی از دو سر طیف را قبول دارند. یعنی یا معتقدند معتاد بیمار است و یا براین باورند که معتاد مجرم است. به عبارت دیگر برخی مخالف بیمار بودن معتاد هستند. آنان معتقدند قانون تولید و تجارت مواد مخدر را جرم تلقی میکنند. پس معتادان به عنوان کسانی که زمینه ی جرم را فراهم میکنند، قانون شکن بشمار می آیند و باید مجازات شوند. این کارشناسان بر این باورند که اعمال روش های مجازات و دیدگاه جرم نگر بر مسئولیت پذیری افراد نسبت به اعتیاد مؤثر و بهترین روش پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر است و اما موافقان این نظریه چه میگویند؟ موافقان نظریه معتاد بیمار است با تأکید بر اختلالات جسمانی روانی و اجتماعی فرد معتاد اظهار میدارند: باید دیدگاه بیمارنگرانه بر سیاست های کلان در زمینه ی درمان این افراد فراهم شود. در فرهنگ سنتی ما اعتیاد یک مشکل اخلاقی

یک کربلا حرف...

دلنواشت

سمیه عرب

از عمق وجودم برای اربعینت مینویسم که امسال هم از خیل عاشقانت جا ماندم. آقا ما را هم طلب که مادرم تمام زندگیمان را نذر راه شما کرده است تا نزد شما آبرو بخرد و حرمتان را ببیند. مبدا امیدش را ناامید کنی. امسال هم نشد، باشد.. حسابش جدا اما از یادمان مبر که هر چه داریم از شماست و این اشک هایمان بر غمت را از ما نگیر که برکت زندگیمان است. و این تمام حرف دل است که با تو میگویم

کی شود خُر شوم و توبه ی مردانه کنم؟
سینه ام را ز چه منزله بیگانه کنم؟

سینه ویران شده ی توست به ولله حسین
گنج را من طلب از سینه ی ویرانه کنم

ای تو مستانگی من! چه لزومی دارد
عشق تو باشد و من باده به پیمانه کنم

میروم هیئت و در بدو ورودم زین پس
مشکلی نیست اگر نیت میخانه کنم

خنده ای کُن بوزد بوی خوش سیب حرم
و اناری بده تا با دل و جان دانه کنم

آه اگر شمع تویی تا به ابد شرمم باد
خنده بر حال پُراز گریه ی پروانه کنم

ای سر نیزه نشین کاش نسیمی بودم
تا که گیسوی پریشان تو را شانه کنم

بارها توبه شکستم تو، ولی بخشیدی
کی شود خُر شوم و توبه ی مردانه کنم؟

*شعر از محسن کلاویانی

دلنواشته های اربعینی خود را برای ما ارسال کنید و
با دیگران به اشتراک بگذارید

صاحب امتیاز:

بسج دانشجویی دانشگاه اراک

مدیر مسئول: رسول یوسفی

سر دبیر، طراح و صفحه آرا: حامد آقالر

basijaraku

basij_araku

basijarakuni.blogfa.com

۰۹۳۷۶۴۴۵۷۲۶

و معتاد یک هنجار شکن است، اعتیاد را ناشی از بی اراده بودن فرد معتاد میدانند. دلیل اینکه در نگاه سنتی معتاد را مجرم و هنجارشکن میدانند به رفتار های ضد اجتماعی فرد معتاد برمیگردد. جامعه رفتار معتاد را رفتاری انتخابی از طرف فرد معتاد میدانند و از این رو او را به دلیل اینکه با آگاهی و انتخاب دست به عملی زده است، در رده مجرمین طبقه بندی میکند اما این نکته را نمیدانند که رفتارهای ضد اجتماعی افراد معتاد پیامدهای بیماری اعتیاد است که به شکل این رفتارها دیده میشود. یعنی یک فرد در هر جامعه به مواد مخدر معتاد گردد، به مرور با بالا رفتن میزان مصرف و عود بیماری اعتیاد به سمت انجام این گونه رفتارها سوق پیدا میکند نه براساس یک انتخاب ارادی نتیجه این میشود که نباید بر اساس رفتارهای معتاد گونه ی فرد معتاد که تحت تأثیر مواد مخدر انجام میدهد راجع به او قضاوت کنیم. در واقع معتاد هیچ کنترلی بر رفتار های خود ندارد و این از اثرات مواد مخدر بر مغز اوست. بنابراین میتوان گفت که نباید معتادان را مجرم دانست و مجازات کرد بلکه باید به آنها به عنوان بیماران نیازمند کمک نگاه کرد و هر چه میتوان برای درمان آنها تلاش نمود. امروزه با آماری که از مراجع رسمی منتشر میشود کسانی که به بیماری اعتیاد دچارند حداقل بیش از یک میلیون نفر میباشد اما تدابیری که وزارت خانه های مسئول مانند وزارت خانه های بهداشت آموزش و پرورش ارشاد و سازمان بهزیستی برای این بیماری در نظر گرفته اند، بسیار اندک است. توجه و تمرکزی که به بیماری هایی که گسترش آنها یک هزارم بیماری اعتیاد هم نیست، بسیار بیشتر از بیماری اعتیاد و معتادان به مواد مخدر است. این بی توجهی از سوی جامعه و مدیران جامعه نشان از نگاه کاملاً سنتی به بحث اعتیاد و معتادان دارد. بنابراین باید مسئولان و شهروندان جامعه ی ما به سمتی حرکت کنند که معتاد را نه به عنوان یک جرم بلکه یک بیماری همانند سایر بیماری ها بدانند. این تغییر نگاه و فرهنگ سازی در مرحله ی اول باید از طریق رسانه های همگانی و آموزش و پرورش صورت پذیرد و به مرور در قوانین و مقررات تغییراتی به وجود آید تا بتوانیم در بلند مدت نگاه جامعه را به این پدیده اجتماعی تغییر دهیم.

آنچه شما گفتید:

۶۵۷۱ *** ۰۹۳۸: پیشنهاد میکنم مطالبتونو در قالب مصاحبه منتشر کنین مخصوصاً مصاحبه با دانشجویها برای خوابگاه دخترانه مهتاب اتوبوس توقف نمیکه برای همین مجبوریم که مسافتی رو طی کنیم تا به ایستگاه دانشگاه مرکزی برسیم

شما میتوانید انتقادات و پیشنهادات خود را در رابطه با هفته نامه "صبح قریب" و همچنین مسائل دانشگاه با شماره ۰۹۳۷۶۴۴۵۷۲۶ به اشتراک بگذارید